



کودتا و حکومت نظامیان در مصر



بانگاهی به تاریخ یک سده اخیر کشورهای عربی، در می یابیم که در بیشتر این کشورها حکومت نظامیان رواج داشته و دست به دست شدن قدرت با کودتاهای خونین همراه بوده است که در همه این کودتاها نظامیان دست بالا را داشته اند و قدرت را به دست گرفته اند. به همین سبب عوام و خواص، فقیر و غنی در این کشورها همیشه سعی داشته اند تا فرزندانشان را به مدارس نظامی بفرستند و یا در دانشکده های نظامی اروپایی و آمریکایی ادامه تحصیل بدهند تا به مناصب بالای دولتی دست یابند و گوشه چشمی هم به کودتا و رسیدن به قدرت داشته باشند. مصر نمونه عالی این تفکر است. در این کشور تمامی رؤسای جمهوری اش بعد از نظام پادشاهی، نظامی بوده اند که با کودتا یا پس از ترور، روی کار آمده اند. اولین رئیس جمهور مصر پس از نظام پادشاهی ژنرال محمد نجیب بود که با کودتا علیه ملک فاروق روی کار آمد. هر چند نجیب مرد خوب و صادقی بود و در اندیشه تأسیس حکومتی پارلمانی و کم کردن نقش ارتش در سیاست بود لکن همزمان به رهبری جمال عبدالناصر در باشگاه افسران آزاد با او مخالفت نمودند و به اتهام رابطه و توافق پنهانی با اخوان المسلمین پس از یک سال وی را مجبور به استعفا نمودند و او را به مدت ۳۰ سال و تا پایان عمر در حبس خانگی نگه داشتند. پس از او جمال عبدالناصر که او هم یک نظامی بود روی کار آمد و تا پایان مرگش کشور را به شیوه ای نظامی و امنیتی اداره کرد و با منحل کردن تمامی احزاب از جمله اخوان المسلمین خودش، به تنها حزب میدان سیاسی مصر تبدیل شد. بعد از مرگ ناصر انور سادات که یک نظامی عضو باشگاه افسران آزاد بود، روی کار آمد و دولت نظامی او هم با ترورش توسط خالد اسلامبولی از جماعت اسلامی پایان یافت و حسنی مبارک فرمانده نیروی هوایی مصر که فارغ التحصیل آکادمی نظامی بود به قدرت رسید و تا سال ۲۰۱۱ در قدرت باقی ماند. جالب

اینجاست که پس از برکناری با ترور هر رئیس جمهوری یک رئیس جمهور موقت برای مدت کوتاهی سکان قدرت را به دست گرفته است. پس از مرگ ناصر، زکریا محی الدین، پس از ترور سادات، صوفی ابوطالب، پس از حسنی مبارک، مشیر طنطاوی و پس از عزل مرسى عدلى منصور این مهم را بر عهده داشته اند.

طولانی ترین دوره انتقالی از آن طنطاوی بود که در آن، انتخاباتی آزاد، تحت نظارت سازمان های بین المللی برگزار شد و محمد مرسى از حزب آزادی و عدالت توانست به عنوان اولین رئیس جمهور غیر نظامی تاریخ مصر به کرسی ریاست جمهوری تکیه بزند اما او هم، همچون محمد نجیب حکومتش یک سال دوام آورد و قربانی توطئه های نظامیان شد.

ارتش، مدیران سیون و منافع آمریکا

"لوسین دلبوی پای" جامعه شناس شهیر آمریکایی در نوشته ای تحت عنوان "نقش ارتش در فرآیند نوسازی سیاسی" در سال ۱۹۶۲ می نویسد دانشمندان علوم اجتماعی آمریکا نمی توانند درک کنند که چگونه نظامیان و سازمان ارتش در جوامع در حال توسعه، به عناصر تصمیم گیرنده اصلی تبدیل شده اند و می توانند مجری خواسته ها و امیال آنها باشند. او پیشدوری های ضد میلیتاریستی دموکراسی های غربی را، به عنوان عامل اصلی در بین دانشمندان علوم اجتماعی، در رابطه با ارائه نظریه "رفع عقب ماندگی های جهان سوم" می داند؛ و معتقد است که دانشمندان و صاحب نظران آمریکایی نتوانسته اند دکنترین مناسبی برای بر طرف کردن عقب ماندگی های اقتصادی کشورهای جهان سوم، ارائه نمایند؛ لذا معتقد است که نظامیان جهان سوم، به عنوان کارگران نوسازی و پیش قراولان این حرکت می باشند. پای فعالیت نظامیان در به وجود آوردن سازمان های نظامی و شبه نظامی و کوشش در تحکیم

بازگشت ژنرال ها به مصر

حدود یک سال پیش تر هنگامی که قطار انقلاب مصر به ایستگاه انتخابات ریاست جمهوری رسید، پیروزی محمد مرسى نامزد مورد حمایت اخوان المسلمین بر احمد شفیق نماینده نظامیان مصر این سوال را پیش روی بسیاری از تحلیل گران منطقه قرار داد که با توجه به حضور پررنگ ارتش در زیر ساخت های اقتصادی، سیاسی و امنیتی مصر آینده این نهاد قدرتمند در ساختار سیاسی آینده مصر چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این سوال ۳ الگوی ترکیبی، الجزایر و مصر مطرح شد. برخی با اشاره به پیروزی تاریخی گروه های اسلامی در الجزایر به رهبری عباس مدنی و کودتای خونین ارتش در دهه ۹۰ میلادی، معتقد بودند نظامیان مصر همچون هم تایان الجزایری خویش توقف جریان های اسلامی را بر نخواهند تافت. با این حال تحول گسترده در رسانه های خبری جهان و بازتاب گسترده اعمال خشونت علیه مردم از یک سو و هزینه بالای راه اندازی یک جنگ داخلی در مصر باعث شده بود این الگو خیلی